



فرصت های شغلی نابرابر زنان زمینه ساز نارضایتی اجتماعی

مشاور وزیر کار از تبعات پایین نگه داشتن مشارکت اقتصادی زنان می گوید

مولود حاجی زاده

زنان با آگاهی نسبت به حقوق خود، خواستار سهمی برابر در جامعه و استفاده یکسان از فرصت های شغلی هستند

اقتصادی به شدت بر بازار کار اثر گذار بوده و منجر به خروج گروهی از شاغلان از چرخه کار شده که در این میان زنان جزو نخستین گروهی هستند که از بازار کار حذف می شوند.

با این همه در این خصوص در کشور ما علاوه بر رجوع به وضعیت اقتصادی کشور، باید مسائل دیگری همچون ساختار فرهنگی را هم مورد توجه قرار داد. نه تنها در ایران که در همه جای دنیا، زنان نیروی کار درجه دوم به شمار می آیند. اما مسائل فرهنگی در ایران، نیروی کار درجه دوم بودن را به نوبه خود تشدید می کند و به نوعی مانعی بر سر راه اشتغال زنان به شمار می آید. براساس همین فرهنگ، کارفرمایان چندان روی نیروی کار زنان حساب نمی کنند به خصوص زنان متأهل چرا که به عقیده کارفرمایان، زنان پس از تاهل برای ادامه کار محدود می شوند و در صورت فرزندآوری، برای مدت زمانی این نیروی کار خود را از دست می دهند. چنین عقیده ای مخصوصاً بیشتر در میان کارفرمایان بخش خصوصی دیده می شود. بر مبنای همین فرهنگ محدودیت هایی هم در برخی حوزه های کاری اعمال می شود، مثلاً برخی بنگاه ها علاقه ای ندارند که زنان به عنوان ناظر در بخش هایی مانند راه سازی فعالیت کنند. در نهایت هم با رویکردهایی این چنینی زنان را از فضای کار دور می کنند.

● مثل مردانه دانستن محیط کار در برخی حوزه های شغلی؟
متأسفانه این فرهنگ در کشور ما وجود دارد و برخی کارها را مردانه معرفی می کنند. با عناوینی همچون مردانه بودن برخی مشاغل، زنان جامعه را سوق می دهند به شغل های محدودتری که عمدتاً به نوعی بر مبنای وظایف و نقش خانگی زنان تعریف شده است. شغل هایی همچون پرستاری، آموزگاری، فعالیت در بخش بهداشت و... اگر واقعا قرار است به دنبال ایجاد فضای برابر میان زنان و مردان در دسترسی به فرصت های شغلی برویم، بدون شک باید از این فرهنگ فاصله بگیریم. متأسفانه این رویکرد در تمام بخش ها حاکم است. مثلاً مدتی قبل یک آگهی مشاهده کردم که یک دستگاه اداری در یکی از استان های شمالی، برای تکمیل پرسنل خود اقدام به جذب نیرو می کرد اما در آگهی اولویت جذب نیروی خود را مردان اعلام کرده بود.

● و همین محدود کردن فرصت های شغلی برابر برای زنان و مردان چقدر بر تبعیض در دیگر زوایای اشتغال همچون موضوع دستمزد، اثر گذاری مستقیم دارد؟

مولود حاجی زاده

زنان در ایران سخت تر از مردان موفق به یافتن شغل و کسب درآمد می شوند؛ این را آمارهای رسمی از نرخ مشارکت اقتصادی کشور نشان می دهد؛ نرخ مشارکت اقتصادی ۱۲ درصدی زنان در مقابل مشارکت ۶۲٫۵ درصدی مردان در اقتصاد سال گذشته کشور. نمی توان به راحتی شکافی به این عمق در نرخ مشارکت اقتصادی را به پای عدم تمایل زنان برای ورود به بازار کار گذاشت؛ گرچه برخی علت این تفاوت را صرفاً بر همین مبنای قرار می دهند. اما واقعیت های جامعه و حجم بالای زنان جوای کار به خصوص زنان تحصیل کرده، نشان می دهد که آنها به دنبال کسب سهمی مشابه با مردان از اشتغال کشورند. در شرایط مشابه اما اصولاً این مردان هستند که در رقابت برای ورود به بازار کار، از زنان سبقت می گیرند. این به معنای مغفول ماندن رکن شایسته سالاری در به کار گرفتن نیروی کار هم هست؛ آنجا که کارفرمایان دولتی و غیردولتی، جنسیت را ملاک گزینش نیروی کار خود قرار می دهند. زهرا کریمی، مشاور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بخشی از این تبعیض ها را به پای فرهنگ حاکم بر جامعه می گذارد. جایی که با مردانه خواندن برخی شغل ها، زنان را از فرصت های شغلی برابر دور کرده و آنها را به شغل هایی که به نوعی با نقش زنان در خانه و خانواده پیوند دارد، همچون پرستاری، آموزش و بهداشت، سوق می دهند. کریمی در این گفت و گو بر این نکته تأکید دارد که تداوم نابرابری در توزیع فرصت های شغلی میان زنان و مردان، به خصوص برای زنان تحصیل کرده می تواند به نارضایتی اجتماعی منتهی شود و به آسیب های اجتماعی در کشور بیفزاید.

● بحث اشتغال زنان موضوعی است که از ابعاد مختلف در مورد آن صحبت شده و می شود، اما همواره این مسئله مطرح است که به رغم تمام آنچه که در حدود چهار دهه بعد از انقلاب در این خصوص عنوان شده، امروز تا چه اندازه فضایی برابر برای کار و فعالیت زنان در سطح جامعه وجود دارد؟
از لحاظ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اشتغال زنان در کشور هیچ منع قانونی ندارد اما اتفاقی که در عمل رخ داده محدود بودن دسترسی زنان در مقایسه با مردان به بازار کار است. اقتصاد کشور در سال های نخست بعد از انقلاب از پویایی کافی برخوردار نبود و جنگ هم به نوبه خود بر این فضای اقتصادی اثری منفی داشت. اصولاً هم زمانی که وضعیت اقتصاد مناسب نباشد، وضعیت برای کار کردن زنان بدتر می شود. وضعیت اقتصادی کشور در سال های پس از جنگ یعنی در دوران سازندگی و اصلاحات مقداری بهتر شده بود، با این حال گزارش های موجود نشان می دهد که مشارکت اقتصادی زنان در فاصله سال ۱۳۵۷ تاکنون نه تنها رشد قابل اتکایی نداشته، که به نسبت کاهش هم یافته است. در سال های اخیر هم وضعیت رکود اقتصادی مزید بر علت شده است. آشفستگی

در همه جای دنیا، زنان نیروی کار درجه دوم به شمار می آیند. اما مسائل فرهنگی در ایران، نیروی کار درجه دوم بودن را به نوبه خود تشدید می کند و به نوعی مانعی بر سر اشتغال زنان به شمار می آید

از لحاظ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اشتغال زنان در کشور هیچ منع قانونی ندارد اما اتفاقی که در عمل رخ داده محدود بودن دسترسی زنان در مقایسه با مردان به بازار کار است. اقتصاد کشور در سال‌های نخست بعد از انقلاب از پویایی کافی برخوردار نبود و جنگ هم به نوبه خود بر این فضای اقتصادی اثری منفی داشت.



زمانی که عرصه برای حضور و فعالیت زنان، محدود و موانعی این‌چنینی در مسیر اشتغال آنان ایجاد می‌شود، به‌ناچار زنان به سمت حوزه‌های کاری محدودی که برایشان موجود است، هجوم می‌برند و این افزایش عرضه نیروی کار در آن بخش‌ها، باعث می‌شود که نرخ دستمزدهای پرداختی به آنها کاهش پیدا کند. این مسائل علاوه بر زنان، بار منفی‌ای برای خانواده‌هایشان نیز به همراه دارد. خانواده‌ها از دختران خود حمایت و آنها را به ادامه تحصیل تشویق می‌کنند اما پس از پایان تحصیلات، شغلی برای دخترانشان یافت نمی‌شود که این موضوع باعث باز خوردی منفی در میان آنها می‌شود. متأسفانه در برخی موارد تصور می‌شود با محدودیت ایجاد اشتغال برای زنان و سپردن فرصت‌های شغلی بیشتر به مردان، می‌توان مسئله بیکاری را حل کرد، که این رویکرد کاملاً اشتباه است. نمی‌توان با دور کردن زنان جامعه از بازار کار و سایر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، به توسعه واقعی و پویایی دست یافت.

شما اشاره کردید که مشارکت اقتصادی زنان از ابتدای انقلاب تاکنون نه تنها افزایش نداشته، که نسبت به گذشته اندکی کاهش هم داشته است. اما آیا می‌توان وضعیت مشارکت اقتصادی زنان را برآیندی از وضعیت مشارکت سیاسی آنها در ارکان اصلی کشور دانست؟ به عبارت دیگر، افزایش مشارکت سیاسی زنان می‌تواند به مولفه‌هایی همچون بهبود وضعیت اشتغال زنان و افزایش سهم آنها از بازار کار هم منتهی شود؟

مسئله هرچقدر حضور زنان در عرصه‌های سیاسی همچون مجلس و دولت افزایش پیدا کند، می‌توان امیدوار بود که نگرانی‌ها و مشکلات بیشتری از این قشر به سطوح کلان کشور منتقل شود و بخشی از مشکلات آنها پررنگ‌تر از قبل دیده می‌شود. کم‌اینکه مسیر برای حل بخشی از این مشکلات تسهیل خواهد شد. البته بماند که در برخی موارد هم این‌گونه نبوده است. مثلاً در همین مجلس نهم هم داشتیم زنانی که رویکردهایی ضدزن داشتند و حتی طرح‌هایی را مطرح می‌کردند که نتیجه عکس آنچه که گفته شد به همراه داشت. البته معتقدم که رویکردهایی این‌چنینی را هم باید نتیجه فرهنگ و محدودیت‌های موجود دانست. در همین راستا می‌توان عنوان کرد که حضور و مشارکت محدود زنان در عرصه سیاسی به نوعی قدرت حضور زنان در حوزه اقتصادی را هم کاهش داده است. در حال حاضر هستند کشورهایی که ریاست‌جمهوری یا نخست‌وزیری‌شان را زنان در اختیار دارند و این مسئله بیانگر آن است که نقش زنان در ساختارهای سیاسی و بخش‌های تراز اول جهانی رو به گسترش است. در همین کشورها، زنان سهم به‌مراتب بالایی در سایر حوزه‌ها از جمله مشارکت اقتصادی کشورهایشان ایفا می‌کنند.

آمارهای جهانی همچون شکاف جنسیتی هم بیانگر فاصله عمیق نابرابری میان زنان و مردان در دسترسی به فرصت‌های شغلی، دستمزد و... است. با همه اینها و با توجه به افزایش حجم اطلاعات در سطح کشور، آیا ممکن است این نابرابری‌ها به خصوص در حوزه اقتصادی برای زنان، به نارضایتی‌های اجتماعی منتهی شود؟

با تداوم این شرایط نه تنها زنان به خصوص زنان تحصیل کرده از وضعیت ناراضی خواهند بود بلکه خانواده‌های آنها هم به جمع ناراضیان می‌پیوندند که این مسئله می‌تواند به نارضایتی اجتماعی منتهی شود.

متأسفانه ما به طور سنتی علاقه‌مندیم که بگوییم نقش اصلی زنان در جامعه مادر بودن است و به این ترتیب اشتغال آنها را به نوعی مانع ازدواج یا حتی فرزندآوری‌شان تلقی کنیم. این درحالی است که تجربه نشان داده امروز احتمال ازدواج زنان شاغل بیش از سایر زنان است. این مسئله از آن روست که در حال حاضر بسیاری از مردان به‌تنهایی از عهده پوشش هزینه‌های زندگی خانواده بر نمی‌آیند و ترجیح می‌دهند که همسرانی شاغل داشته باشند تا برای تامین هزینه زندگی از آنان هم کمک بگیرند.

اما برای عبور از این مسئله و جلوگیری از بروز تبعات منفی اجتماعی این موضوع در کشور، باید تحرک اقتصادی ایجاد کرد و برخی مفاهیم فرهنگی را متفاوت از قبل دنبال کرد. زنان در جامعه امروز با آگاهی نسبت به حقوق خود، خواستار سهمی برابر در جامعه و استفاده یکسان از فرصت‌های شغلی هستند.

کما اینکه طبق آخرین گزارش‌های منتشرشده در سال ۹۳، جمعیت خانوارهایی که تامین هزینه‌های آنها با سرپرست زن است نیز در کشور افزایش یافته است.

بله، در حال حاضر بیش از ۱۲ درصد از خانوارهای ایرانی به

اگر دختری، به هر علت نتواند در کنار خانواده‌اش زندگی و شهریاروستای خود را ترک کند و به شهر دیگری برود، به خصوص اینکه مشکل مالی هم داشته باشد، در کمتر از ۴۸ ساعت به فحشا کشیده می‌شود